

تحلیل نقش هم‌افزایی میان‌نهادی در بازآفرینی شهری با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز)

پگاه ایزدی* - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان
زهره هادیانی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان
علی حاجی‌نژاد - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گیلان
جعفر قادری - دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ایران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

چکیده

سیستم مدیریت شهری زمانی موفق است که نهادهای مدیریتی آن هم در بین واحدهای مستقل خود هم در بین نهادهای مدیریتی دیگر هماهنگی برقرار کند. در این راستا، رویکرد هم‌افزایی به‌عنوان یکی از نتایج مدیریت یک‌پارچه مطرح می‌شود. هدف از این پژوهش بررسی نقش هم‌افزایی میان‌نهادی در نهادهای متولی بازآفرینی منطقه ۸ شیراز است تا اولاً شناخت صحیحی از وضعیت مناسبات نهادهای ذی‌ربط با یکدیگر حاصل شود و همچنین مشکلات و مسائل هم‌افزایی نهادهای متولی بررسی شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و نیز مصاحبه، از روش کمی تحلیل شبکه و نیز تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های کلان شبکه در هر سه شاخص هم‌افزایی شامل مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی دچار ضعف‌اند. بر این اساس، شاخص تراکم در سه شبکه مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی به ترتیب ۳۲/۷، ۴۱، و ۲۸/۲ درصد است که در هر سه شبکه کمتر از میانگین ۵۰ درصد بوده است. میزان شاخص دوسویگی نیز بیانگر سطح پایداری کمتر از ۵۰ درصد در اغلب نهادهای ذی‌ربط بازآفرینی است. شاخص انتقال‌یافتگی به ترتیب با میزان ۲۲/۲۲، ۲۵/۳۶، و ۱۷/۸۵ درصد در سه شبکه مذکور بیانگر عدم نهادینه‌شدن روابط در شبکه کلان است. همچنین، با توجه به وجود رابطه معنی‌دار ($Sig < 0.00$) بین سه شاخص هم‌افزایی (مشارکت به‌عنوان متغیر وابسته و اعتماد و اطلاع‌رسانی به‌عنوان متغیرهای مستقل) این نتیجه حاصل می‌آید که ایجاد مشارکت مؤثر بین نهادهای بازآفرینی نیازمند بهبود سازوکارهای اطلاع‌رسانی و نیز اعتماد است.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، تحلیل شبکه، مدیریت شهری، میان‌نهادی، هم‌افزایی.

مقدمه

در ساختار مدیریت شهری، تعامل و ارتباطات درون و میان‌نهادی^۱ اهرمی برای بهینه‌سازی عملکرد سازمانی محسوب می‌شود. تعدد و تنوع فزاینده کنشگران و سازمان‌های مرتبط و مؤثر در مدیریت شهری همراه تنوع انگیزه‌ها و منافع متفاوت و گاهی متعارض آن‌ها جهت مداخله و اعمال وظیفه در محدوده شهر باعث شد تا چگونگی سازمان‌دهی و تقسیم کار کارآمد و اثربخش بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان به یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های مدیریت شهری معاصر تبدیل شود (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۷۳). بسیاری از ناکارآمدی‌های مدیریت شهری حال حاضر، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه (مانند ایران) نیز ناشی از ضعف هم‌افزایی نهادی-سازمانی است که به فزونی چالش‌های شهری و پاسخ‌گونی‌نبودن مدیریت شهری به مسائل متعدد آن همچون فقر، بیکاری، و ناهنجاری‌های اجتماعی منجر شده است. جای‌گزین‌شدن تقابل نهادی به جای تعامل نهادی در مقیاس خرد و کلان مدیریت شهری منجر به آن می‌شود تا اثرگذاری اقدامات مدیریت شهری حتی اگر دارای بهترین هدف، طرح، و برنامه نیز باشد، در مرحله اجرا به دلیل ضعف تعامل نهادی کاهش یابد، زیرا برنامه‌های خرد و کلان در مقیاس شهری نیازمند تعامل همه بخش‌های مدیریتی و قرارگرفتن نهادهای مختلف شهری (مردمی، خصوصی، دولتی، و عمومی) است تا بخش‌های ذکرشده در کنار هم و به صورت یک‌پارچه (با حفظ استقلال نهادی خود) بتوانند برنامه‌های تدوین‌شده را اجرایی کنند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶). یکی از ایرادات اساسی بر مدیریت شهری سنتی نیز پُرمسئولیت‌بودن دولت و مدیریت شهری صرفاً دولتی است که بر این اعتقاد بود که دولت‌ها به تدریج وظایف بیشتری را در زمینه اداره جامعه از جمله مدیریت عمومی برعهده گرفته‌اند که بسیار فراتر از توانایی مالی و اداری آن‌هاست (یان، ۲۰۰۹: ۳۳). بنابراین، به دنبال مسائل و انتقادات مطرح‌شده، اندیشه مدیریت شهری یک‌پارچه با رویکرد تکثرگرایی مطرح می‌شود. مدیریت یک‌پارچه شهری به صورت یک‌پارچه و با تأکید بر هم‌افزایی نهادهای مختلف شهری به بهبود محیط شهری و حل مسائل متعدد شهری از جمله بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری اقدام می‌کند (چاکابارتی و دهر، ۲۰۰۱: ۲۶۳). باتوجه به اینکه مسائلی مانند بازآفرینی شهری پیچیده و چندبُعدی‌اند، نیازمند ورود طیف وسیعی از بازیگران در حوزه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی است. بنابراین، همکاری مؤثر بازیگران در همه حوزه‌های بازآفرینی ضروری است (مک کوئید، ۲۰۱۰: ۱۳۰). منطقه ۸ شهرداری شیراز، که منطقه تاریخی-فرهنگی شهر شناخته می‌شود، امروز، به دلیل معضلات و مشکلات مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و کالبدی، جاذبه خود را از دست داده است. رشد شهر شیراز با سرعت به سمت جنوب و شمال غرب ادامه دارد و در این بین منطقه تاریخی روز به روز با از دست دادن ساکنان اصیل و قدیمی خود به یکی از فرودست‌نشین‌ترین مناطق مسکونی شهر شیراز تبدیل می‌شود (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲). به طوری که بین سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ در مقابل تقریباً ۱۳۰۰۰ نفری که از بافت خارج شده‌اند، فقط ۲۴۲۰ نفر به آن افزوده شده است (مرکز آمار و نفوس مسکن، ۱۳۹۵). تراکم بالای جمعیت (۱۱۸ نفر در هکتار) پیامدهای منفی اجتماعی و زیست‌محیطی به دنبال داشته است و وضعیت بحرانی آسیب‌های اجتماعی و امنیت پایین محیط سکونت به گونه‌ای است که این منطقه را در زمره بحرانی‌ترین مناطق شهر از لحاظ بروز جرم و جنایت و سایر آسیب‌های اجتماعی قرار داده است. در طی سال‌های اخیر، مطالعات و برنامه‌های متعددی به منظور رفع افت شهری و بازآفرینی محدوده تهیه شده است. باوجود این، طرح‌های ارائه‌شده در بسیاری موارد تحقق نیافته است یا در عمل موفق نبوده‌اند. عوامل متعددی در عدم تحقق طرح‌های بازآفرینی شهری در این منطقه دخیل‌اند، اما یکی از عوامل مهم در این رابطه همواره ضعف بستر نهادی در مدیریت و سامان‌دهی این طرح‌ها بوده است. با بررسی اسناد و طرح‌های بازآفرینی در این محدوده، می‌توان دریافت که در مطالعات

موجود اغلب بر مسائل کالبدی تمرکز شده و بستر نهادی تحقق بازآفرینی و عوامل مؤثر در مدیریت این رویکرد کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین، باتوجه به تعدد نهادهای ذی‌ربط در بازآفرینی منطقه و اهمیت نقش بستر نهادی در تحقق بازآفرینی منطقه، این تحقیق بر آن است تا با پوشش بستر نهادی و به‌طور خاص تعاملات نهادی در بازآفرینی شهری به ارزیابی سطح کارآمدی روابط و مناسبات میان‌نهادی و نیز شناخت مشکلات مرتبط در نهادهای متولی بازآفرینی منطقه ۸ شیراز بپردازد تا در درجه اول شناخت صحیحی از وضعیت مناسبات و تشریح مساعی نهادها با یکدیگر حاصل شود و همچنین مشکلات هم‌افزایی نهادهای متولی بررسی شود. باتوجه به موضوع و اهداف اشاره‌شده، این تحقیق به‌طور مشخص به دنبال پاسخ به سه سؤال زیر است:

آیا مناسبات و روابط سازمان‌های متولی بازآفرینی واجد کارایی لازم در تحقق بازآفرینی محدوده فرهنگی- تاریخی شهر شیراز است؟

آیا میان شاخص‌های هم‌افزایی نهادی رابطه معناداری وجود دارد (شاخص‌ها در ارتباط با هم عملکرد یافته‌اند)؟

چه مشکلاتی در رابطه با هم‌افزایی میان‌نهادی در بازآفرینی منطقه وجود دارد؟

در این راستا، با مطالعه پیشینه و ادبیات نظری موضوع مورد بحث، مدل مفهومی به‌منظور ارزیابی هم‌افزایی نهادی در نهادهای متولی بازآفرینی شهری منطقه ۸ شیراز تدوین شده و، با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه و تحلیل محتوای کیفی صاحب‌نظران انجام‌گرفته، میزان هم‌افزایی نهادهای ذی‌ربط تحلیل و تدقیق شده است.

مبانی نظری

هم‌افزایی نهادی

زمانی که دو یا چند عنصر یا عامل با یکدیگر هم‌بازی یا تعامل داشته باشند معمولاً اثری به‌وجود می‌آید. اگر این اثر از مجموع اثرهایی که هر یک از آن عناصر جداگانه توانایی ایجاد کردن آن را داشتند فراتر رود، پدیده هم‌افزایی رخ داده است. هم‌افزایی معمولاً از طریق مشارکت در دانش و منابع به‌منظور حذف یا کاهش دوباره‌کاری‌ها حاصل می‌شود (دستمالچی و وزوایی، ۱۳۹۰: ۶). باتوجه به اینکه هم‌افزایی پدیده‌ای است که باعث تشدید اثر می‌شود، در حوزه مطالعات مدیریت و سازمان نیز برای بیان اثر فعالیت گروهی و افزایش بازده کار گروهی نسبت به فعالیت‌های فردی و مستقل از این واژه استفاده می‌شود؛ به‌طوری‌که گروه‌ها استعداد هم‌نیروزی را فراهم آورده و بیش از جمع توانایی‌های تک‌تک اعضای خود کار انجام می‌دهند (رضائیان، ۱۳۸۱). رویکرد هم‌افزایی برگرفته از نظریه سرمایه اجتماعی است. در این نظریه، سرمایه اجتماعی به‌عنوان شبکه‌هایی با ارزش‌ها، هنجارها، و درک مشترک، که همکاری بین‌گروهی و درون‌گروهی را تسهیل می‌کند، تعریف می‌شود (بیانینگین و اشمیت، ۲۰۱۳: ۷۳). مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیم همکاری، اعتماد، و روابط است و آن‌ها را تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی به‌آرامی تکامل می‌یابد. به بیان بهتر، همگام با نهادهای اقتصادی- اجتماعی رشد می‌کند (ساویولی و پاتیولی، ۲۰۱۶). نهادها از عوامل مهم ایجاد سرمایه اجتماعی‌اند (آبهوف، ۱۹۹۹). آن‌ها انگاره‌هایی مستقر برای رفع نیازمندی‌های متعدد انسانی‌اند که از شیوه‌های قومی وقتی که تداول و قبول عام پیدا می‌کنند برمی‌خیزند و رشد و نما می‌یابند (پیران و همکاران، ۱۳۹۵: ۶). نهادها و مؤسسات جای‌گزین و تکمیل‌کننده سرمایه اجتماعی‌اند. بدین معنا که، بسته به شرایط، جایگاه سرمایه اجتماعی را می‌گیرند یا از آن بهره‌برداری می‌کنند (آیوکی، ۲۰۰۷). سرمایه اجتماعی به دو صورت میان‌فردی و نهادی تقسیم می‌شود. سرمایه اجتماعی نهادی ناشی از شبکه‌های ارتباطی میان‌نهادی و درون‌نهادی است. سرمایه اجتماعی درون‌نهادی ارتباط بین افراد و واحدهای مختلف در درون یک نهاد است که در راستای ارتقای سطح عملکرد آن نهاد عمل می‌کند. درحالی‌که سرمایه اجتماعی

میان‌نهادی، که از آن با عنوان رویکرد هم‌افزایی یاد می‌شود، اشاره به نوع و نحوه ارتباط بین نهادهای مختلف مدیریتی دارد و میزان تعاملات رسمی و غیررسمی، میزان اعتماد بین نهادی، میزان مشارکت بین نهادها، نوع و نحوه مشارکت، و میزان آگاهی نهادی و مسئولیت اجتماعی بین نهادها از ابعاد سنجش آن محسوب می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۹-۱۴۰؛ احمدی و فیض‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۷، ۳۸). تشریح و تبیین هم‌افزایی در مدیریت را می‌توان به سیستم و ساختار بدنی انسان تشبیه کرد. آدمی ترکیب موزونی از اعضای مختلف است. گرچه دست، پا، گوش، قلب، و هریک از اعضا و اندام او مستقل و مجزاست، همه اعضا در ترکیبی هماهنگ در خدمت او قرار گرفته‌اند. به دلیل وابستگی سازمان‌ها و نهادهای مدیریتی مختلف به همدیگر، این نهادها را باید به‌منزله اعضای آدمی در نظر گرفت. سیستم مدیریت شهری کشوری موفق است که نهادهای مدیریتی آن هم در بین واحدهای جداگانه و مستقل خود هم در بین نهادهای مدیریتی دیگر بتواند هماهنگی و همکاری برقرار کند (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷). رویکرد هم‌افزایی به‌عنوان یکی از نتایج حکمروایی و مدیریت یک‌پارچه (شهری) و اساس آن مطرح می‌شود. یک فاکتور کلیدی در هم‌افزایی نهادی در بین کلیه کنشگران درگیر در فرایند (بازآفرینی) اعتماد میان آن‌هاست (کارلوسن و برکس، ۲۰۰۵: ۶۸). اعتماد، به‌عنوان یک تسهیل‌کننده، قادر است در طولانی‌مدت مشارکت و همکاری را در بین کنشگران ایجاد کند (کندریک، ۲۰۰۳). اعتماد هنگامی شکل می‌گیرد که دو طرف یک تعامل بدانند که عمل یکی تأثیرات اساسی بر دیگری دارد. باوجوداین، هر دو طرف بدون تردید و مقاومت افکار، مشکلات، و نگرانی‌هایشان را با یکدیگر در میان بگذارند. اعتماد یک رفتار جمعی است که در جهت اهداف نهادها به‌کار می‌رود (میسزتال، ۱۹۹۶: ۱۲). اعتماد به دولت می‌تواند به ارتباط گسترده شهروندان در قالب نهادهای مردمی با نهادهای دولتی منجر شود. ترکیب نهادهای عمومی قدرتمند و اجتماعات سازمان‌یافته ابزار مؤثری برای توسعه محسوب می‌شود (میونگ و هیونگ‌جان، ۲۰۱۶: ۴). فاکتور کلیدی دیگر در هم‌افزایی نهادی شکل‌گیری شراکت بین نهادی است. در بسیاری از کشورهای اروپایی این توافق به‌وجود آمده است که بازآفرینی شهری موفق نیازمند یک رهیافت شراکت راهبردی، محلی، چندبخشی، و چندآزاندی است. ظهور چنین شراکتی می‌تواند به‌عنوان یک پاسخ به تغییرات سریع و بنیادی اجتماعی، اقتصادی، و سازمانی در نظر گرفته شود که جامعه در چندین دهه گذشته شاهد آن بوده است (رابرتز و سایک، ۱۳۹۳: ۴۹-۵۵). شراکت میان‌نهادی دارای مزایایی بدین شرح در بازآفرینی است: اطمینان از بسیج کارآمدتر منابع؛ ایجاد حمایت بیشتر براساس نقاط قوت شرکای گوناگون؛ نشان‌دادن ارتباط مشکلات شهری با یکدیگر با شیوه‌ای جامع‌تر؛ تضمین اعمال منصفانه‌تر آرا و علاقه‌مندی‌های ذی‌نفعان مختلف؛ و دستیابی به یک هماهنگی در پروژه‌ها و برنامه‌های پراکنده (تسنکوا، ۲۰۰۲: ۷۳). اطلاع‌رسانی یا تسهیم دانش سازمانی نیز شاخص کلیدی دیگر در هم‌افزایی نهادی است. امروزه، دانش به‌عنوان یک دارایی ارزشمند و یک سرمایه راهبردی در سازمان مطرح است. دانش ترکیبی سیال از اطلاعات، تجربیات، ارزش‌ها، و نگرش‌هایی است که براساس معیارهای منطقی و عقلی سازمان یافته و به‌عنوان چارچوبی برای تجزیه، تحلیل، ارزش‌یابی، و بهره‌مندی از اطلاعات جدید به‌کار گرفته می‌شود (داونپورت و پراساک، ۱۹۹۸: ۳). تسهیم دانش را می‌توان فعالیتی نظام‌مند جهت انتقال و مبادله دانش و تجربه میان اعضای یک سازمان یا سازمان‌های مختلف با هدف مشترک و جهت حل مطلوب‌تر مسائل نسبت به گذشته تعریف کرد (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸).

رهیافت بازآفرینی شهری و هم‌افزایی نهادی

رهیافت بازآفرینی شهری توسعه اقتصادی و گسترش رقابت، ارتقای پایداری محیط ساخته‌شده، افزایش هویت فرهنگی، کیفیت زندگی شهروندان، و ارتقای مدیریت شهری در نواحی فرسوده، نابسامان، و متروک شهری است (خطیبی، ۱۳۹۴: ۴۴۰). بازآفرینی شهری تلاشی است یک‌پارچه برای به‌زنده‌کردن مناطق رو به نابودی که به توقف افت در ابعاد

اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی، و خارج کردن منطقه از چرخه تنزل منجر می‌شود (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). در ادبیات اخیر دنیا، واژه «بازآفرینی شهری» به‌عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی، و روان‌بخشی شهری را دربر می‌گیرد به‌کار می‌رود. نقش اصلی بازآفرینی شهری کشف نیروها و عواملی است که افت شهری را به‌وجود آورده‌اند و اتخاذ واکنش مثبت و پایداری است که به بهبود مستمر و کیفی حیات شهری منجر می‌شود (رابرتز و اسکای، ۲۰۰۰: ۹-۳۵). بررسی و تحلیل نهادها و ارتباطات میان آن‌ها به‌عنوان بستر سیاست‌گذاری و اجرایی رهیافت بازآفرینی شهری انجام می‌گیرد. رویکرد نهادی در بازآفرینی شهری بر این نکته تأکید دارد که موفقیت در اجرای یک الگوی بازآفرینی صرفاً منوط و مشروط به پتانسیل‌های اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی منطقه نیست؛ بلکه از دیگر الزامات اساسی آن این است که چه کسانی و چگونه در این عرصه‌ها تصمیم می‌گیرند (فرانکو و کاترچی، ۲۰۱۳: ۳).

رویکرد تحلیل شبکه^۱

از آنجا که عملیات شهری دربرگیرنده تعداد زیادی از عناصر مرتبط با یکدیگر در سطوح مختلف تصمیم‌گیری است، رویکرد شبکه‌ای در مدیریت شهری برای ایجاد هماهنگی میان نهادها در سطوح مختلف ضرورتی انکارناپذیر است (چاکابارتی و دهر، ۲۰۰۱: ۳۳۳). رویکرد تحلیل شبکه به مطالعه روابط بین کنشگران می‌پردازد و چگونگی الگوی روابط متقابل بین کنشگران مختلف، ذی‌نفعان، و نهادهای مختلف را، که می‌توانند کیفیت مدیریت را تحت تأثیر قرار دهند، بررسی می‌کند. واحد تحلیل در رویکرد شبکه یک «رابطه» است (ولمن، ۱۹۷۹: ۳۹). ویژگی جالب توجه رابطه الگوی آن است که شامل ویژگی‌هایی مانند جنس، سن، و درآمد نیست. این‌ها می‌توانند خصوصیات هر یک از اعضا باشد نه رابطه بین آن‌ها. به‌طور کلی دو روش در تحلیل متغیرهای تحقیق وجود دارد: روش‌های رابطه‌ای و روش‌های طبقه‌بندی (مقوله‌بندی). تحلیل شبکه از نوع روش تحلیل رابطه‌ای است (چلبی، ۱۳۷۳) (جدول ۱). همچنین، رویکرد تحلیل شبکه به مطالعه جریان منابع و نحوه دسترسی افراد به این منابع زهفته در شبکه‌ها، که اطلاعات یکی از مهم‌ترین آن‌هاست، علاقه بسیار دارد (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰: ۳۴).

جدول ۱. مقایسه روش‌های طبقه‌بندی و رابطه‌ای

نوع روش	روش طبقه‌بندی	روش رابطه‌ای
واحد تحلیل	موجودیت	رابطه
داده‌ها	اسنادی (attribution)	رابطه‌ای (relational)
جمعیت و نمونه تحقیق	تعریف براساس صفات موجودیت‌ها	تعریف براساس روابط موجودیت‌ها
تحلیل	تحلیل متغیر	تحلیل اتصال (connection analysis)
فنون	مقوله‌بندی، جدول‌بندی، تحلیل همبستگی، تکنیک‌های چندمتغیری	تکنیک گراف، الگوسازی آماری، الگوسازی جبری

منبع: باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰

شبکه به‌منظور بررسی روابط بین کنشگران در قالب شاخص‌های کلان شبکه تحلیل می‌شود. شاخص‌های کلان شبکه در دو گروه دسته‌بندی می‌شود: ۱. شاخص‌های «انسجام» شامل تراکم، میزان دوسویگی پیوندها، شاخص انتقال‌یافتگی؛ ۲. شاخص‌های «مرکزیت» شامل شاخص مرکزیت درجه، مرکزیت بینایی، و شاخص مرزبندی مرکز-پیرامون (بودین و پرل، ۲۰۱۱؛ هرسچی، ۲۰۱۰). شاخص‌های انسجام در شبکه به دنبال سنجش میزان همبستگی

میان‌نهادی است و شاخص‌های مرکزیت برای تعیین مهم‌ترین کنشگران در شبکه استفاده می‌شود. برخی از شاخص‌های کلان شبکه عبارت‌اند از:

الف) شاخص تراکم^۱: شاخص تراکم نشان‌دهنده تعداد پیوند در شبکه نسبت به کل پیوندهای ممکن در شبکه موردنظر است. به‌طور کلی، افزایش تراکم شبکه سبب افزایش انسجام اجتماعی و همبستگی در شبکه می‌شود. همچنین، امکان کنترل اجتماعی را افزایش می‌دهد (باستانی، ۲۰۰۷). هر چه میزان انسجام در شبکه‌ها افزایش یابد، انتظار می‌رود میزان مشارکت و اعتماد در شبکه نیز افزایش یابد (بروگمن، ۲۰۰۸: ۳).

ب) میزان دوسویگی^۲ پیوندها (بده بستان) در شبکه: میزان دوسویگی یکی از شاخص‌های مهم در تعیین میزان پایداری شبکه موردنظر است و از طرفی میزان اعتماد، مشارکت، و اطلاع‌رسانی متقابل را نشان می‌دهد. شبکه‌ها، با میزان بالای دوسویگی، پایدارتر، متعادل‌تر، و هماهنگ‌ترند.

ج) شاخص انتقال‌یافتگی^۳: اگر کنشگر A یک پیوند با کنشگر B و B یک پیوند با کنشگر C داشته باشد، انتقال‌یافتگی فرصت و شانس است که A برای پیوند با C دارد (بروگمن، ۲۰۰۸: ۳). در مقاله «استحکام پیوندهای ضعیف» در مجله *جامعه‌شناسی آمریکا*، پیوندهای ضعیف یا اعضای خارج از گروه می‌تواند باعث تسهیل در گردش اطلاعات و موفقیت اعضای گروه شود. این بدین معناست که نه قوی‌بودن ارتباطات درون‌گروهی، بلکه پیوندهای ضعیف برون‌گروهی موفقیت شبکه را تضمین می‌کند (حسام و رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). همچنین، میزان بسیار پایین شاخص انتقال‌یافتگی نشان‌دهنده آن است که شبکه بسیار ناسازمان‌یافته‌تر از آن است که بتواند رفتار اعضای گروهش را تقویت کند (کریستاکیس و فلاور، ۲۰۰۹: ۱۴).

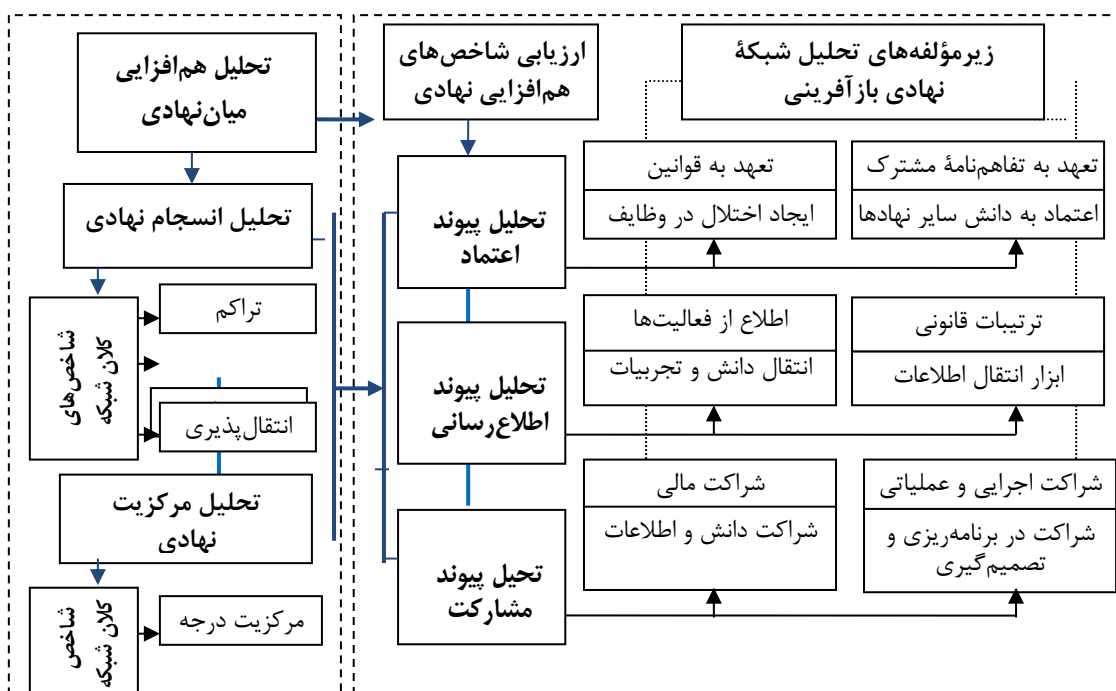
د) مرکزیت درجه: ساده‌ترین تعریف از مرکزیت کنشگر این است که کنشگران مرکزی فعال‌ترین کنشگران‌اند و بیشترین پیوندها را با کنشگران دیگر دارند (باستانی و رئیس، ۱۳۹۰: ۴۳). بنابراین، درجه مرکزیت بیانگر میزان وجود کنشگران محوری است. این شاخص تفاوت بین تعداد پیوندهای هر گره را که به حداکثر مجموع ممکن از تفاوت‌ها تقسیم می‌شوند نشان می‌دهد (رمضانی و میرزاحمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). تمرکز بیانگر درصدی از شبکه است که تحت کنترل تعدادی بازیگران محدود با موقعیت مرکزی در شبکه است و در سطح کل شبکه نهادی اندازه‌گیری می‌شود. به‌طور کلی، این شاخص بیان می‌کند که چه میزان از پیوندها به کنشگران محدودی در شبکه‌های مطالعه‌شده وابسته است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵۸). در گراف‌های جهت‌دار دو درجه ورودی و خروجی برای یک گره محاسبه می‌شود که اولی نشان‌دهنده پیوندهای خروجی^۴ است و دومی پیوندهای ورودی^۵ گره را نشان می‌دهد. تعبیر این دو شاخص به این صورت است که پیوندهای خروجی به معنای داده منابع به شبکه است و پیوندهای ورودی به معنای ستاده منابع است. میزان بالای درجه داده (خروجی) به معنای اقتدار^۶ است و میزان بالای درجه ستاده (ورودی) نشان‌دهنده شهرت^۷ است و بدین معناست که کنشگران زیادی به کنشگر مرکزی توجه می‌کنند (هوگان، ۲۰۰۷).

1. Density
2. Reciprocity
3. Transitivity
4. In-degree
5. Out-degree
6. Authority
7. Celebrity

(د) شاخص QAP^۱: با استفاده از نرم‌افزار یوسینت^۲ می‌توان میزان همبستگی و معادله رگرسیون بین دو شبکه را محاسبه کرد. شاخص QAP به‌منظور تحلیل ارتباط و همبستگی میان دو ماتریس متقارن به کار می‌رود (قربانیو همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵۸).

مدل مفهومی تحقیق

به‌منظور درک موضوع مورد مطالعه، در این بخش به ارائه چارچوب مرجع تحقیق در قالب مدل مفهومی پرداخته شده است. با جمع‌بندی ادبیات نظری حول رویکردهای «تحلیل شبکه» و «هم‌افزایی»، مدل مفهومی تحقیق با پیوند این دو مبحث به صورت نمودار ۱ تدوین شد.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق (منبع: محققان با برداشت از ادبیات تحقیق)

روش تحقیق

تحقیق حاضر دارای ماهیت نظری- کاربردی است و با روش توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری مطالعه شامل مدیران، کارکنان، و اعضای نهادهای فعال در منطقه ۸ شیراز است که هر یک به نحوی در بازآفرینی این منطقه نقش ایفا می‌کنند. این نهادها شامل طیفی از نهادهای خصوصی، عمومی، دولتی، و مردمی است که از آن میان مجموعاً ۱۲ نهاد (جدول ۲) انتخاب و بررسی شد. در مجموع، ۱۴۶ نفر از مدیران و کارشناسان فعال در این نهادها به‌صورت هدفمند و قضاوتی و باتوجه به ارتباط و نقش آن‌ها با بازآفرینی منطقه انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته‌اند. در این تحقیق برای تعیین میزان پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ ($Cronbach = 0.711$) استفاده شد که میزان به‌دست‌آمده نشان‌دهنده همسازي مناسب بین گویه‌هاست و برای روایی از نظر استادان و کارشناسان استفاده شده است. همچنین، برای بررسی دقیق‌تر موضوع،

1. Quadratic Assignment Procedure (QAP)
2. UCINET

مصاحبه‌هایی ترتیب داده شد. بیست نفر از مدیران و کارشناسان نهادهای یادشده به‌طور هدفمند انتخاب و مصاحبه شدند. برای تحلیل داده‌های پرسش‌نامه به‌منظور بررسی چگونگی الگوی روابط متقابل بین نهادهای ذی‌ربط در بازآفرینی از روش تحلیل شبکه استفاده شد و با استفاده از نرم‌افزار یوسینت^۱ شاخص‌های کلان شبکه نهادی مستخرج شد. همچنین، با تحلیل محتوای کیفی یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مشکلات هم‌افزایی میان نهادی شناسایی شد.

محدوده مورد مطالعه

منطقه ۸ شهرداری شیراز، که منطبق با منطقه تاریخی - فرهنگی شهر است، با وسعت ۳۷۸ هکتار و جمعیت بیش از ۴۴ هزار نفر در مرکز شهر واقع شده است. این منطقه، با پیشینه تاریخی درخشان خود، امروز با ابعاد گوناگون فرسودگی شهری دست به گریبان است؛ این منطقه در ۱۵ سال گذشته نرخ رشدی معادل ۲/۷- داشته است در مقایسه با شهر شیراز (۲/۲)، که نشان از خروج جمعیت است. کاهش امنیت اجتماعی، مهاجرت اقشار ضعیف و فرودست به آن، و کاهش کیفیت‌های اجتماعی از مسائل اصلی این محدوده است که به افت اجتماعی آن منجر شده است. شاخص‌های اقتصادی مانند بار تکفل، نرخ مشارکت اقتصادی، و نرخ عمومی فعالیت در محدوده با اختلاف نسبت به شهر شیراز در سطوح پایین‌تری است. همچنین، نزدیک به ۵۰ درصد از بناهای مسکونی در منطقه کیفیت تخریبی و ۵۱/۶ درصد بیش از سی سال قدمت دارند که نشان‌دهنده سطح بالای فرسودگی کالبدی در منطقه است (ایزدی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). در طی سالیان اخیر مطالعات، برنامه‌ها، و پیشنهادهای بسیاری به‌منظور بازآفرینی آن از سوی نهادهای گوناگون تهیه شده است. نهادها و سازمان‌های مختلفی در فرایند بازآفرینی این منطقه از مراحل ابتدایی تهیه طرح، تصویب، اجرا تا مرحله نظارت فعالیت می‌کنند. در این تحقیق مهم‌ترین این نهادها، که نقش اصلی را در ارتباط با بازآفرینی محدوده تاریخی شیراز دارند، شناسایی و تحلیل شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. نهادهای کلیدی در فرایند بازآفرینی منطقه ۸ شیراز

نوع نهاد	نهاد	نوع نهاد	نهاد
	میراث فرهنگی و گردشگری	عمومی	شهرداری
	شرکت عمران و بهسازی		شورای شهر
دولتی	سازمان اوقاف و امور خیریه		یاوران شورا محلات
	سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی	مردمی	انجمن دوستداران میراث فرهنگی / کانون جوانان نگاه فردا / کانون معماران پارس / خانه توریسم پارس
خصوصی	فرماندهی نیروی انتظامی	سایر	تولیت آستان مطهر احمدی و محمدی
	مهندسين مشاور و پیمانکاران اصناف		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

بحث و یافته‌ها

در راستای پاسخ به سؤال اول تحقیق بدین مضمون که آیا روابط سازمان‌های متولی بازآفرینی واجد کارایی لازم در تحقق بازآفرینی منطقه ۸ شهر شیراز است یا خیر، ارزیابی هم‌افزایی نهادی در قالب سه شاخص اعتماد، مشارکت، و اطلاع‌رسانی انجام گرفت. گویه‌های مرتبط با هر شاخص تدوین و داده‌های لازم از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شد؛ بدین صورت که مشارکت، اطلاع‌رسانی، و اعتماد هر یک از نهادها با سایر نهادها ارزیابی شد. در این تحقیق به هر گویه از ۰ تا ۵ امتیاز داده شده است؛ بدین صورت که به فقدان پیوند امتیاز ۰، سطح بسیار پایین امتیاز ۱، سطح پایین امتیاز ۲، سطح متوسط امتیاز ۳، سطح بالای پیوند امتیاز ۴، و سطح بسیار بالای پیوند امتیاز ۵ اختصاص یافت. نخست، به‌منظور سنجش و شناخت میزان هم‌افزایی نهادی از

آزمون میانگین و انحراف معیار استفاده شد. سپس، به‌منظور بررسی دقیق‌تر روابط میان‌نهادی، سه پیوند اعتماد، اطلاع‌رسانی، و مشارکت در قالب شاخص‌های کلان تحلیل شبکه و در سه شبکه با همین عناوین سنجش شد. برای تحلیل شبکه ارتباطات نهادی منطقه، نخست ماتریس دودویی روابط نهادی با استفاده از میانگین امتیازها در هر نهاد و بر مبنای میزان مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی نهادها ترسیم شد. سپس، به‌منظور تحلیل شاخص‌های کلان شبکه، ماتریس دودویی هر پیوند (مشارکت، اطلاع‌رسانی، و اعتماد) ترسیم و داده‌های حاصل در نرم‌افزار یوسینت^۱ وارد شد.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون میانگین در سه شبکه مشارکت^۲، اطلاع‌رسانی، و اعتماد در نهادهای متولی بازآفرینی منطقه

انحراف معیار	میانگین کل	میانگین	شاخص	
		۲,۵۸	میزان مشارکت مالی	مشارکت
۱,۳	۲,۱۶	۱,۴	میزان مشارکت دانش و اطلاعات	
		۲,۸۴	میزان مشارکت اجرایی و عملیاتی	
		۱,۸۵	میزان مشارکت در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری	
		۲,۱۲	میزان انتقال دانش و تجربیات و مطالعات انجام‌گرفته توسط نهادها به یکدیگر	
		۲,۵	میزان دریافت اطلاع از فعالیت‌های انجام‌شده سایر نهادها از طریق مکاتبات رسمی	اطلاع‌رسانی
۱,۰۱	۲,۲۲	۱,۶۷	کیفیت ابزار انتقال اطلاعات	
		۲,۴۲	الزام قانونی در انتقال اطلاعات مرتبط به سایر نهادهای ذی‌ربط	
		۲,۳۸	وجود سازوکارهای مناسب به‌منظور اطلاع‌رسانی (برگزاری کارگروه‌ها، شوراها و ...)	
		۲,۴	میزان اطمینان از صحت و درستی انجام وظایف مرتبط با بازآفرینی منطقه از سوی سایر نهادها	
		۲,۸۳	میزان پایداری و تعهد سایر نهادها به اجرای تفاهم‌نامه‌ها و ابلاغیه‌های مشترک	ایجاد
۰,۹	۲,۶۵	۳,۲	میزان تعهد و پایداری سایر نهادها به اجرای قوانین و مقررات مرتبط با بافت‌های تاریخی	
		۲,۲۱	وجود سطح مناسبی از تخصص و دانش لازم برای انجام وظایف مرتبط با بازآفرینی در سایر سازمان‌های ذی‌ربط	
		۲,۶	میزان اختلال در وظایف سازمان به‌علت فعالیت‌های سایر سازمان‌های ذی‌ربط	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

نتایج پرسش‌نامه نشان می‌دهد که میزان مشارکت میان‌نهادی دارای میانگین ۲,۱۶، اعتماد میان‌نهادی ۲,۶۵، و اطلاع‌رسانی میان‌نهادی دارای میانگین ۲,۲۲ است. با توجه به اینکه بیشینه میانگین پنج و حد متوسط (استاندارد) آن سه است، میانگین به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که میانگین شاخص‌های هم‌افزایی میان‌نهادی کمتر از حد استاندارد واقع شده است و وضعیت مطلوبی ندارد. میزان پایین انحراف معیار نشان از همگنی پاسخ‌های ارائه‌شده در جامعه آماری دارد.

ارزیابی شاخص‌های کلان تحلیل شبکه نهادی بازآفرینی

شاخص‌های کلان‌نهادی در دو دسته شاخص‌های انسجام و همبستگی شامل «تراکم»، «میزان دوسویگی پیوندها»، و «انتقال‌یافتگی» و شاخص‌های مرکزیت شامل «تمرکز شبکه» و «مرزبندی مرکز از پیرامون» بررسی شده‌اند. همان‌گونه که در مدل مفهومی اشاره شده است، از شاخص‌های کلان شبکه به‌منظور ارزیابی سه شاخص هم‌افزایی نهادی (مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی) استفاده شده است. بنابراین، هر یک از این سه پیوند به‌طور جداگانه با استفاده از شاخص‌های کلان تحلیل شبکه تحلیل شده‌اند.

شاخص‌های انسجام و همبستگی

الف) تراکم: در این تحقیق تراکم در سطح کل شبکه^۳ محاسبه شد. هر چه میزان تراکم در شبکه بالاتر باشد میزان

1. UCINET

۲. منظور از مشارکت در این محث همکاری بین سازمانی است که در قالب عقد قرارداد، انعقاد تفاهم‌نامه، ابلاغ از طریق ابلاغیه و نامه، طرح از طریق جلسات و کارگروه‌ها، و مکتوب‌شدن آن‌ها در صورت جلسات انجام شده باشد (روابط رسمی).

3. Density overall

انسجام شبکه نیز بیشتر است. نتایج نشان می‌دهد میزان تراکم در سطح کل پیوند مشارکت معادل ۳۲/۷ درصد است. این میزان در شبکه اعتماد معادل ۴۱ درصد و در شبکه اطلاع‌رسانی معادل ۲۸/۲ درصد است که نشان‌دهنده میزان تراکم و پیوند پایین (کمتر از میانگین ۵۰ درصد) در هر سه شبکه است. این بدین معناست که میزان انسجام و پیوستگی شبکه نهادی بازآفرینی در محدوده مورد مطالعه در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

جدول ۴. میزان تراکم پیوندهای مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی نهادی مرتبط با بازآفرینی محدوده

میزان رابطه	درصد پیوند	درصد پیوند در کل شبکه
عدم مشارکت	۶۷/۳	
مشارکت کم و بسیار کم	۱۳/۱۹	
مشارکت متوسط	۱۱/۵۰	۳۲/۷
مشارکت زیاد و بسیار زیاد	۸/۰۱	
عدم اعتماد/ عدم پیوند	۵۹	
اعتماد کم و بسیار کم	۱۱/۳۲	۴۱
اعتماد متوسط	۱۸/۸۵	
اعتماد زیاد و بسیار زیاد	۱۰/۸۴	
عدم انتقال اطلاعات	۷۱/۸۰	
اطلاع‌رسانی کم و بسیار کم	۱۱/۲۶	۲۸/۲
اطلاع‌رسانی متوسط	۹/۸۴	
اطلاع‌رسانی زیاد و بسیار زیاد	۷/۱۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

ب) میزان دوسویگی پیوندها (بده بستان) در شبکه: این شاخص نشان‌دهنده تعداد پیوندهای متقابل موجود نسبت به تعدادی است که باید وجود داشته باشد. با توجه به اینکه هر چه میزان بده بستان روابط در شبکه بیشتر باشد، میزان پایداری شبکه نیز افزایش خواهد یافت، می‌توان بیان کرد که سازمان شهرداری دارای پیوند مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی پایداری با سایر نهادهای بازآفرینی است (به ترتیب ۸۵، ۶۵ و ۸۰ درصد). در ارتباط با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، شاخص دوسویگی در مورد پیوند اعتماد، مشارکت، و اطلاع‌رسانی به ترتیب ۵۰ درصد، ۶۱ درصد، و ۴۲ درصد بوده است که بیانگر میزان متوسط پایداری شبکه‌ها در این سازمان است.

جدول ۵. میزان شاخص دوسویگی (%) پیوندهای مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی میان نهادهای بازآفرینی

کنشگران	X11	X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1
میزان متقابل بودن پیوند مشارکت با سایر نهادها	۳۶	۱۳	۴۸	۳۸	۱۸	۲۲	۱۲	۵۰	۳۰	۱۵	۸۵
میزان متقابل بودن پیوند اعتماد با سایر نهادها	۱۵	۲۰	۴۲	۴۰	۲۸	۴۲	۴۴	۶۱	۳۵	۳۸	۶۵
میزان متقابل بودن پیوند اطلاع‌رسانی با سایر نهادها	۲۸	۶	۳۰	۱۸	۱۲	۳۶	۸	۴۲	۱۴	۳۰	۸۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

ج) شاخص انتقال‌پذیری در شبکه: نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد میزان انتقال‌پذیری شبکه اعتماد ۲۵/۳۶ درصد، انتقال‌پذیری در شبکه مشارکت ۲۲/۲۲ درصد، و در شبکه اطلاع‌رسانی ۱۷/۸۵ درصد است؛ یعنی به این میزان‌ها امکان ایجاد مشارکت هر یک از کنشگران با کنشگر سوم، اعتماد هر کنشگر به کنشگر سوم، و دستیابی به منابع اطلاعاتی هر یک به طرف سوم وجود دارد. باتوجه به تنوع شاخص‌ها و ابعاد بازآفرینی شهری، درصد انتقال‌یافتگی در شبکه نهادی بازآفرینی محدوده مورد مطالعه در سطح پایینی قرار دارد. بدین معنا که تنوع شاخص‌های بازآفرینی در حیطه‌های موضوعی مختلف از جمله موضوعات اجتماعی و اقتصادی ... نیازمند همکاری تعداد بیشتری از نهادها و نیز واحدهای متبوعه آن‌هاست، که با افزایش میزان انتقال‌پذیری احتمال مشارکت و دریافت منابع اطلاعاتی این نهادها از یکدیگر بیشتر می‌شود. بدین ترتیب، هر چقدر این میزان در شبکه افزایش یابد، پیوندهای برون‌سازمانی هر چند ضعیف در شبکه تقویت و امکان دسترسی به منابع بیشتر برای نهادها فراهم می‌آید. همچنین، سطح پایین شاخص انتقال‌یافتگی در سه شبکه نشان‌دهنده سازمان‌نیافتگی شبکه‌ها به‌منظور هدایت و تقویت رفتار اعضایشان و نهادینه‌نشدن پیوندها در سه شبکه مورد بررسی نیز هست.

جدول ۶. میزان شاخص انتقال‌یافتگی پیوندها در شبکه‌های مورد مطالعه (درصد)

۲۲/۲۲	میزان انتقال‌پذیری در پیوند مشارکت
۲۵/۳۶	میزان انتقال‌پذیری در پیوند اعتماد
۱۷/۸۵	میزان انتقال‌پذیری در پیوند اطلاع‌رسانی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

ارزیابی شاخص‌های مرکزیت

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، یک گره با مرکزیت بالا تأثیر بیشتری در جریان‌ات پیرامون شبکه دارد. در این مرحله، برای مشخص کردن نهادهای مرکزی در شبکه بازآفرینی منطقه، از شاخص مرکز-پیرامون استفاده و سپس درجه مرکزیت کل شبکه محاسبه شده است.

مرکزیت درجه^۱

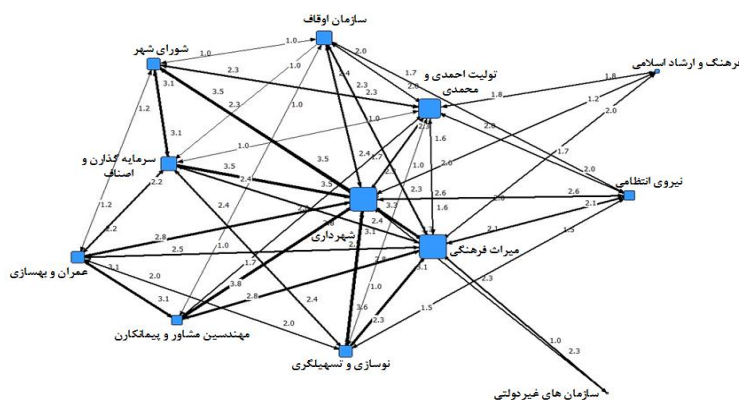
جدول ۷ بیانگر میزان شاخص تمرکز شبکه نهادی بازآفرینی در محدوده مورد مطالعه براساس پیوندهای بیرونی و درونی است. درجه تمرکز ۵۱ درصد براساس پیوندهای بیرونی در شبکه مشارکت بیانگر میزان اقتدار و نفوذ ۵۱ درصدی نهادهای مرکزی در شبکه است. براساس درجه تمرکز پیوندهای درونی شبکه مشارکت، میزان شهرت نهادهای مرکزی در این شبکه ۴۹ درصد است. به‌طور کلی، تقریباً نیمی از پیوندهای درونی و بیرونی مشارکت در دست کنشگران مرکزی محصور شده و بقیه پیوندها در اختیار سایر نهادها در شبکه مشارکت است. درجه مرکزیت در شبکه اعتماد نشان می‌دهد که اعتماد در شبکه وابستگی کمی به کنشگران مرکزی دارد (بسیار پایین‌تر از حد متوسط ۵۰ درصد). بر این اساس، نهادهای مرکزی سطح پایینی از اعتماد سایر نهادها را دریافت می‌کنند (۳۲/۵ درصد براساس پیوندهای بیرونی) و همچنین دارای اعتماد پایینی نسبت به سایر کنشگران در شبکه‌اند (۲۲ درصد براساس پیوندهای بیرونی). درجه مرکزیت در سطح کل شبکه اطلاع‌رسانی، براساس پیوندهای بیرونی و درونی، هر دو ۳۵ درصد است که مشابه یکدیگر است و نشان می‌دهد که میزان اثرگذاری کنشگران مرکزی در این شبکه از هر دو لحاظ شهرت و اقتدار کمتر از حد متوسط است و تقریباً ۳۵ درصد از پیوندهای اطلاع‌رسانی در دست نهادهای مرکزی بوده و بقیه پیوندها در اختیار سایر نهادها در شبکه است.

جدول ۷. میزان شاخص تمرکز کل شبکه نهادی بازآفرینی در محدوده

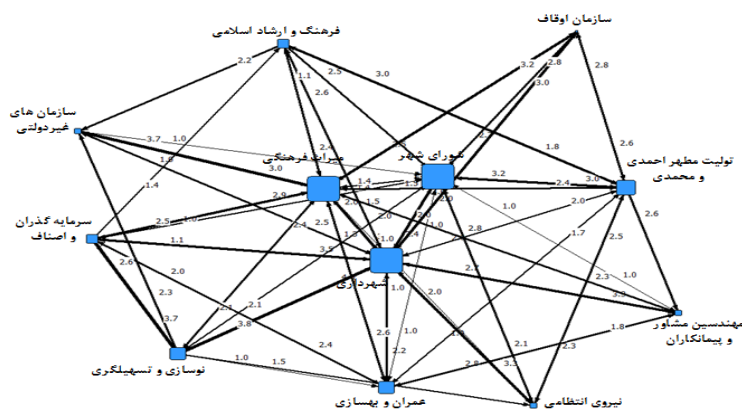
درصد	شاخص
۴۹٪	مرکزیت شبکه براساس پیوندهای داخلی شبکه مشارکت
۵۱٪	مرکزیت شبکه براساس پیوندهای خارجی شبکه مشارکت
۳۲٫۵٪	مرکزیت شبکه براساس پیوندهای داخلی شبکه اعتماد
۲۲٪	مرکزیت شبکه براساس پیوندهای خارجی شبکه اعتماد
۳۵٪	مرکزیت شبکه براساس پیوندهای داخلی شبکه اطلاع
۳۵٪	مرکزیت شبکه براساس پیوندهای خارجی شبکه اطلاع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

نمودارهای ۲، ۳، و ۴ نشان‌دهنده درجه مرکزیت هر یک از نهادها (کنشگران) در سه شبکه نهادی اطلاع‌رسانی، مشارکت، و اعتماد در ارتباط با بازآفرینی محدوده مورد مطالعه است. هر چه مرکزیت درجه یک کنشگر بیشتر باشد، ارتباطات و شبکه بیشتری در اختیار داشته و تأثیرگذارتر است. اندازه گره‌ها متناسب با میزان مرکزیت درجه سازمان‌ها و ضخامت خطوط در شبکه روابط نشان‌دهنده پیوند بیشتر است. همان‌گونه که در گراف‌های مرتبط مشخص است، دو نهاد شهرداری، میراث فرهنگی در هر سه پیوند کنشگران مرکزی را تشکیل می‌دهند. همچنین، تولید آستان احمدی و محمدی از کنشگران مرکزی در پیوند مشارکت است. نهاد فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز سازمان‌های غیردولتی کمترین پیوند را در هر سه شبکه در اختیار داشته و در فرایند بازآفرینی منطقه در حاشیه قرار گرفته‌اند.

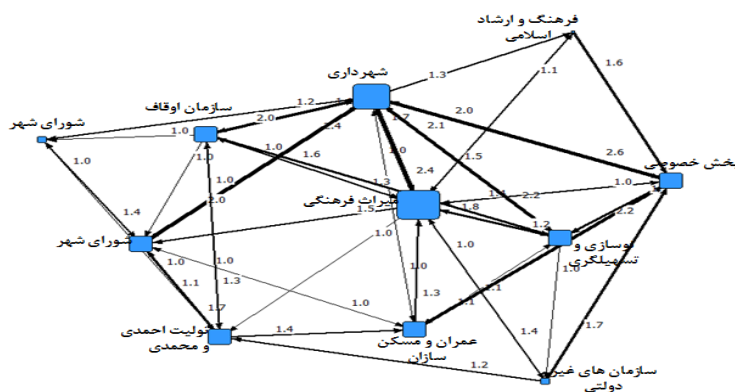


نمودار ۲. شبکه مشارکت نهادهای بازآفرینی بر مبنای مرکزیت درجه. منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶



نمودار ۳. شبکه اعتماد نهادهای بازآفرینی بر مبنای مرکزیت درجه

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶



نمودار ۴. شبکه اطلاع‌رسانی نهادهای بازآفرینی بر مبنای مرکزیت درجه
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های هم‌افزایی نهادی

سؤال دیگر این تحقیق این است که آیا میان شاخص‌های هم‌افزایی نهادی رابطه معناداری وجود دارد؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، ارتباط میان مؤلفه‌های هم‌افزایی با استفاده از شاخص QAP و تحلیل رگرسیون سه مؤلفه (مؤلفه مشارکت به‌عنوان متغیر وابسته و نیز دو مؤلفه اعتماد و اطلاع‌رسانی به‌عنوان متغیر مستقل) ارزیابی شد. این تحلیل با استفاده از تحلیل رگرسیون شبکه پیوندها در نرم‌افزار یوسینت انجام شد.

الف) رابطه بین دو پیوند اعتماد و مشارکت براساس شاخص QAP^۱

براساس نتایج شاخص QAP می‌توان بیان کرد که میزان همبستگی بین دو پیوند اعتماد و مشارکت ۴۴ درصد است که نشان‌دهنده همبستگی متوسط بین دو پیوند مشارکت و اعتماد است. میزان معنی‌داری رابطه همبستگی بین دو پیوند اعتماد و مشارکت برابر با صفر است ($sig=0/001$) که نشان می‌دهد همبستگی دو پیوند معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد اگر بین دو کنشگر (نهاد) پیوند اعتماد وجود داشته باشد، به احتمال ۴۴ درصد بین آن‌ها مشارکت نیز در شبکه برقرار خواهد بود. همچنین، براساس نتایج ضریب تعیین^۲ در سطح معنی‌داری صفر می‌توان بیان کرد حدود ۲۱ درصد از ضریب تغییرات مشارکت (متغیر وابسته) به تغییرات اعتماد (متغیر مستقل) مربوط است (جدول ۸).

جدول ۸. آماره‌های رگرسیون خطی بین دو پیوند اعتماد و مشارکت در نهادهای بازآفرینی محدوده

R-square	Adj R-Sqr	Probability	Independent Un-stdized coe	Independent Stdized coe	Significance
۰/۲۰۹	۰/۲۰۰	۰/۰۰۱	۰/۱۱۰۰۷۱۴	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۹۹۹
			۰/۴۴۷۹۳۹	۰/۴۵۷۵۲۲	۰/۰۰۱

جدول ۹. معادله رگرسیون خطی بین دو پیوند اعتماد و مشارکت در نهادهای بازآفرینی محدوده

ضرایب	میزان ضرایب	
عرض از مبدأ	٪۱۱	$Y = \%۱۱ + \%۴۵ X$
ضریب رگرسیون متغیر مستقل	٪۴۵	

۱. شاخص Quadratic Assignment Procedure (QAP) به‌منظور تحلیل ارتباط و همبستگی میان دو ماتریس متقارن به‌کار می‌رود.

2. R-squared

ب) رابطه بین دو پیوند اطلاع‌رسانی و مشارکت براساس شاخص QAP

از شاخص QAP برای سنجش همبستگی میان دو شبکه اطلاع‌رسانی (به‌عنوان متغیر مستقل) و مشارکت نهادها با یکدیگر (به‌عنوان متغیر وابسته) نیز استفاده شد. براساس نتایج این شاخص، می‌توان بیان کرد میزان همبستگی بین دو پیوند اطلاع‌رسانی و مشارکت ۷۸ درصد است که نشان‌دهنده همبستگی بالا بین این دو پیوند است. میزان معنی‌داری رابطه همبستگی بین دو پیوند اعتماد و مشارکت برابر با صفر است ($\text{sig}=0/000$) که نشان می‌دهد همبستگی دو پیوند معنی‌دار است. می‌توان استدلال کرد اگر بین دو کنشگر (نهاد) پیوند اطلاع‌رسانی وجود داشته باشد، به احتمال ۷۸ درصد بین آن‌ها مشارکت نیز در شبکه برقرار خواهد بود. همچنین، براساس نتایج ضریب تعیین در سطح معنی‌داری صفر، حدود ۵۶/۵ درصد از ضریب تغییرات مشارکت (متغیر وابسته) به تغییرات اطلاع‌رسانی (متغیر مستقل) مربوط است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. آماره‌های رگرسیون خطی بین دو پیوند اطلاع‌رسانی و مشارکت در نهادهای بازآفرینی محدوده

R-square	Adj R-Sqr	Probability	Independent Un-stdized coe	Independent Stdized coe	Significance
۰/۵۶۵	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۱۱۳۹۲۴	۰/۰۰۰۰۰۰	۱
			۰/۷۸۹۳۰۲	۰/۷۵۱۵۵۸۸۰	۰/۰۰۰

جدول ۱۱. معادله رگرسیون خطی بین دو پیوند اعتماد و مشارکت در نهادهای بازآفرینی محدوده

ضرایب	میزان ضرایب
عرض از مبدأ	٪۱۱
ضریب رگرسیون متغیر مستقل	٪۷۸

$$Y = \% 11 + \% 78 x$$

باتوجه به نتایج حاصل از یافته‌های این بخش در پاسخ به سؤال دوم، می‌توان بیان کرد که میان شاخص‌های هم‌افزایی نهادی ارتباط معنی‌دار وجود دارد و این شاخص‌ها در رابطه با یکدیگر عملکرد یافته‌اند. بدین ترتیب، تقویت هر یک از مؤلفه‌های اعتماد و اطلاع‌رسانی می‌تواند به تقویت پیوند و مشارکت میان نهادی منجر شود و بالعکس.

شناخت مسائل مرتبط با هم‌افزایی میان نهادی در شبکه بازآفرینی منطقه

به‌منظور پاسخ به سؤال سوم تحقیق مبنی بر شناخت مشکلات پیش روی هم‌افزایی نهادی در بازآفرینی منطقه مورد مطالعه، علاوه بر پرسش‌نامه، با تعدادی از مدیران و کارشناسان مرتبط مصاحبه‌هایی به‌عمل آمد. این مصاحبه‌ها نخست به‌صورت طرح سؤالاتی مشخص آغاز شد و سپس در جریان مصاحبه سعی شد بر ابعادی از تحقیق تمرکز شود که انتظار می‌رفت در ارتباط با هم‌افزایی نهادی در سطح منطقه مورد مطالعه تأثیرگذار بوده، اما در پرسش‌نامه مورد توجه قرار نگرفته باشد. در استخراج نتایج کیفی، نخست اظهارات ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان دسته‌بندی شد. سپس، در قالب دسته‌بندی صورت‌گرفته و اظهارنظر افراد در قالب دیدگاه‌های مثبت و منفی خلاصه شد (جدول ۱۲). برخی از عوامل مؤثر بر هم‌افزایی نهادی که از اجرای مصاحبه‌ها مستخرج شد به‌صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند: سازوکارهای هماهنگی؛ تضاد منافع و نگرش؛ مرکزیت؛ و ترتیبات قانونی.

جدول ۱۲. نکات و نتایج یافته‌های کیفی تحقیق بر حسب دیدگاه‌های مثبت و منفی

دیدگاه‌ها و موارد مثبت	دیدگاه‌ها و موارد منفی	ملاحظات
<p>– به‌وجود آمدن امکانات فنی مناسب برای اطلاع‌رسانی به شهروندان، گردشگران، و سرمایه‌گذاران</p> <p>– طرح و بررسی موردی مسائل و مشکلات محدوده باتوجه به ضرورت و شرایط در کارگروه‌ها، کمیته‌ها، و شوراهای تخصصی</p>	<p>– فقدان سیستم‌های هوشمند اطلاع‌رسانی، ثبت اسناد و مصوبات به‌منظور انتقال اطلاعات بین سازمانی</p> <p>– تعداد محدود جلسات و کارگروه‌ها به‌منظور هماهنگی بین سازمانی</p> <p>– جلسات نامنظم و غیرمنسجم کارگروه‌ها، کمیته‌ها، و شوراهای تخصصی</p> <p>– عدم الزام و ضرورت اجرایی بسیاری از مصوبات و تصمیمات مطرح‌شده در کارگروه‌ها، کمیته‌ها، و شوراهای تخصصی مرتبط</p> <p>– عدم حضور و مشارکت نهادهای مردمی و غیردولتی و نیز بخش خصوصی در کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی</p>	سازوکارهای هماهنگی
–	<p>– برداشت متفاوت نهادها از مقوله توسعه و به‌سازی بافت تاریخی و اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های بعضاً متضاد (نگرش به میراث تاریخی به‌عنوان مانعی برای اجرایی‌شدن طرح‌های توسعه عمرانی از سوی شهرداری و تأکید سازمان میراث فرهنگی بر حفاظت و صیانت آثار تاریخی)</p> <p>– سلیقه‌ای‌بودن تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های برخی مسئولان که گاهی به دنبال تأمین منفعت شخصی اعمال می‌شود</p> <p>– تأکید نهادهای مذهبی موجود در منطقه (تولیت حرم مطهر احمدی و محمدی) بر توسعه شبکه دسترسی‌های اطراف حرم شاه‌چراغ و مخالفت برخی نهادهای ذی‌ربط به‌دلیل تخریب بافت تاریخی</p>	تضاد منافع و نگرش
<p>– دسترسی به مقامات استانی به‌دلیل مرکزیت استان و امکان هماهنگی سریع‌تر</p>	<p>– تمرکز قدرت در شهرداری به‌واسطه منابع مالی بیشتر این نهاد و تدوین و اجرای بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های بازآفرینی محدوده در راستای اهداف، منافع، و تقاضای شهرداری</p> <p>– غلبه شدید بخش دولتی در هر گونه تصمیم و اقدام (تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در یکی دو نهاد دولتی)</p> <p>– اعمال نفوذ نهادها و افراد قدرتمند محلی در روند تصمیم‌گیری کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی</p>	ربر کار:
<p>– امکان حضور مسئولان و کارشناسان از نهادهای مختلف و ذی‌ربط و همچنین ذی‌نفعان در بخش خصوصی در کارگروه‌ها، کمیته‌ها، و شوراهای تخصصی</p>	<p>– عدم ضمانت اجرایی تفاهم‌نامه‌ها، ابلاغیه، و سایر ابزار که مناسبات و مشارکت‌های بین سازمانی را تنظیم می‌کنند</p> <p>– ناکارآمدی مقررات، قوانین، و آیین‌نامه‌ها در ایجاد هماهنگی میان سازمانی</p> <p>– وجود قوانین دست‌وپاگیر و وقت‌گیر به‌عنوان مانعی برای مشارکت بخش خصوصی</p> <p>– جایگاه کاملاً ضعیف نهادهای مردمی و خصوصی در تصمیمات و اقدامات از لحاظ قانونی</p> <p>– عدم شناخت دست‌اندرکاران بازآفرینی نسبت به قوانین مرتبط</p> <p>– فعالیت موازی دستگاه‌ها</p>	جذب منابع:
–	<p>– جدایی ۵۷ هکتار از قلب محدوده از سایر بخش‌های آن و تدوین طرح و برنامه‌های جداگانه توسط دو مشاور متفاوت</p> <p>– بی‌توجهی نهادها به مکاتبات و ابلاغیه‌های سایر نهادهای مرتبط</p> <p>– عدم اطلاع نهادهای ذی‌ربط از طرح‌های تهیه‌شده توسط سایر نهادها و بعضاً اجرای طرح‌های مشابه</p> <p>– امتناع نهادها از در اختیار قرار دادن مطالعات و داده‌های تدوین‌شده به یکدیگر</p>	۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

در پاسخ به سؤال سوم مبنی بر شناسایی مشکلات هم‌افزایی نهادی در بازآفرینی منطقه مورد مطالعه، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌گرفته (جدول ۱۲) نشان می‌دهد که مشکلات هم‌افزایی نهادی در بازآفرینی منطقه مورد مطالعه حول چهار محور- ضعف سازوکارهای هماهنگی میان‌نهادها؛ تضاد منافع و نگرش میان‌نهادهای بازآفرینی؛ تمرکز قدرت و منابع مالی در چند نهاد محدود؛ و ضعف ترتیبات قانونی- شکل گرفته است و بهبود شاخص‌های هم‌افزایی نهادی و افزایش کارایی عملکردی بین نهادهای بازآفرینی منطقه با شناسایی و برطرف کردن این مشکلات امکان‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم در ارتباط با منطقه تاریخی- فرهنگی شهر شیراز آن است که، به‌رغم تهیه طرح‌های متعدد به‌سازی و بازآفرینی برای این منطقه و با وجود قابلیت‌های تاریخی و گردشگری آن، نه تنها تا کنون موفقیت چشم‌گیری در بهبود وضعیت این منطقه حاصل نشده، بلکه با افت و فرسودگی بیشتر نیز در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و

محیطی مواجه شده است. در این رابطه، این تحقیق بر یکی از عوامل مهم در تحقق‌پذیری بازآفرینی شهری یعنی بستر نهادی بازآفرینی تمرکز کرده و به سه پرسش اصلی در ارتباط با هم‌افزایی نهادی بازآفرینی در بافت تاریخی - فرهنگی شهر پاسخ می‌دهد. جمع‌بندی یافته‌ها در ارتباط با تحلیل هم‌افزایی میان نهادهای بازآفرینی منطقه، براساس آزمون میانگین، نشان می‌دهد میانگین سه شاخص هم‌افزایی شامل مشارکت نهادها (۲/۱۶)، اطلاع‌رسانی (۲/۲۲) و اعتماد (۲/۶۵) کمتر از حد متوسط بوده است. همچنین، به‌منظور ارزیابی دقیق‌تر ارتباطات و مناسبات میان نهادهای بازآفرینی در محدوده مورد مطالعه با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه، شبکه ارتباطات میان نهادهای بازآفرینی تحلیل شد. براساس نتایج این تحلیل، شاخص‌های کلان در شبکه نهادی برای سه پیوند مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی، به‌عنوان شاخص‌های هم‌افزایی نهادی، بدین صورت استخراج شد؛ میزان شاخص تراکم در شبکه نهادی در هر سه پیوند اعتماد، مشارکت، و اطلاع‌رسانی کمتر از ۵۰ درصد بوده است که نشان‌دهنده میزان انسجام پایین شبکه نهادی بازآفرینی در منطقه است. میزان شاخص دوسویگی برای هر یک از نهادها نیز مشخص کرد که پیوند مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی در بستر نهادی بازآفرینی پایدار نیست. در این بین نهاد شهرداری و میراث فرهنگی با میزان دوسویگی متوسط از پایداری نسبی در روابط برخوردارند. همچنین، درصد انتقال‌یافتگی در شبکه نهادی بازآفرینی محدوده مورد مطالعه در سطح پایینی قرار دارد (به ترتیب ۲۲/۲۲، ۲۵/۳۶، و ۱۷/۸۵ درصد برای پیوند مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی) که بیانگر عدم نهادینه‌شدن روابط در شبکه و نیز احتمال پایین استفاده نهادها از طیف متنوعی از منابع نهادهای مختلف است. همچنین، به‌منظور سنجش میزان قدرت نهادهای ذی‌ربط به‌واسطه ارتباطات آن‌ها از شاخص مرکزیت درجه استفاده شد. تحلیل گراف‌های مرتبط نیز نشان‌دهنده آن است که در هر سه شبکه، نهادهای شهرداری و میراث فرهنگی بیشترین پیوند و سازمان‌های غیردولتی و سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی کمترین پیوند را در اختیار دارند. درصد «درجه مرکزیت براساس پیوندهای بیرونی» نشان‌دهنده نظام تمرکزگرا در مدیریت بازآفرینی منطقه است. تحلیل شاخص‌های یادشده به‌منظور پاسخ به سؤال اول نشان می‌دهد که مناسبات و روابط سازمان‌های متولی بازآفرینی در محدوده مورد مطالعه فاقد کارایی لازم و مناسب به‌منظور تحقق این امر بوده و شاخص‌های کلان شبکه در هر سه شاخص هم‌افزایی (مشارکت، اعتماد، و اطلاع‌رسانی) دچار ضعف‌اند.

در راستای پاسخ به سؤال دوم تحقیق و به‌منظور بررسی ارتباط میان شاخص‌های هم‌افزایی نهادی، از شاخص QAP استفاده شد. تحلیل حاصل از این شاخص نشان می‌دهد بین دو شاخص مشارکت و اعتماد از یک سو و مشارکت و اطلاع‌رسانی از سوی دیگر رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، اعتماد بیشتر نهادها به یکدیگر و فرایند اطلاع‌رسانی آن‌ها به هم به ایجاد زمینه‌های مشارکت بیشتر میان آن‌ها منجر شده است. این نتیجه مشخص می‌کند که ایجاد مشارکت مؤثر بین نهادهای بازآفرینی نیازمند بهبود سازوکارهای اطلاع‌رسانی و نیز اعتماد است.

همچنین، براساس تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام‌گرفته، مشکلات مرتبط با هم‌افزایی نهادی در چهار مقوله سازوکارهای هماهنگی، تضاد منافع و نگرش، مرکزیت، و ترتیبات قانونی قرار دارد. باتوجه به زمینه‌های مشکلات شناسایی‌شده، سازوکارهای زیر می‌تواند شرایط بهبود و افزایش هم‌افزایی نهادی در شبکه بازآفرینی منطقه را فراهم آورد:

افزایش ضمانت‌های اجرایی تفاهم‌نامه‌ها و ابلاغیه‌های میان‌سازمانی و اتخاذ الزام‌های قانونی در این زمینه

تدوین مقرراتی در زمینه الزام نهادها به هماهنگی و همکاری با یکدیگر (در راستای شاخص مشارکت، اطلاع‌رسانی)

ایجاد سیستم هوشمند اطلاع‌رسانی، ثبت اسناد و مصوبات، به‌منظور انتقال اطلاعات بین سازمانی و تقویت روابط

نهادها در زمینه‌های کسب اطلاعات و شناخت‌های موضوعی از منطقه (در راستای شاخص اطلاع‌رسانی)

تقویت نقش کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی و افزایش اختیارات قانونی آن‌ها (در راستای شاخص اطلاع‌رسانی، مشارکت)

تشکیل بانک اطلاعاتی شامل اقدامات انجام‌شده و در دست اجرا در محدوده، طرح‌های مطالعاتی انجام‌گرفته، اطلاعات آماری و سایر اطلاعات درونی هر یک از نهادها مانند تعداد و تخصص نیروی انسانی و ... و در دسترس بودن بانک اطلاعاتی مذکور برای همهٔ نهادهای بازیگر در محدودهٔ مورد مطالعه (در راستای شاخص اطلاع‌رسانی) برگزاری منظم کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی و مشارکت فعالانهٔ نهادها در آن (در راستای شاخص اطلاع‌رسانی، مشارکت، و اعتمادسازی)

فراهم‌کردن زمینه‌های قانونی حضور و اعمال نظر همهٔ نهادهای ذی‌ربط به‌ویژه نهادهای خصوصی و مردمی در کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی (در راستای شاخص اعتمادسازی، مشارکت)

منابع

۱. احمدی، علی‌اکبر و فیض‌آبادی، حوریه (۱۳۹۰). بررسی ارتقای سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد سازمان (نمونه موردی: سازمان‌های ستادی شهرداری تهران)، فصل‌نامه مدیریت دولتی، ۳(۶): ۳۵-۸۸.
۲. ایزدی، پگاه؛ هادیانی، زهره؛ علی، حاجی‌نژاد و قادری، جعفر (۱۳۹۶). بازآفرینی شهری با تأکید بر شناسایی و تحلیل خوشه‌های خلاق فرهنگی، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۵(۱۸): ۲۱-۴۰.
۳. ایزدی، پگاه (۱۳۹۶). ارائه و تبیین الگوی بازآفرینی شهری با تأکید بر رویکرد فرهنگ مبنا؛ مطالعه موردی: بافت تاریخی - فرهنگی شهر شیراز، رساله دکتری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۴. باستانی، سوسن و رئیس، مهین (۱۳۹۰). روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعه اجتماعات باز، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۲): ۳۲-۵۹.
۵. پیران، پرویز؛ رفیعیان، محبتی؛ رضایی، میثم و دهقان، هما (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد نهادهای اجتماعی در مدیریت هر چه بهتر محلات؛ نمونه موردی: محلات واقع در شهر فردوسی - شهرستان شهریار، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲۵): ۱-۲۲.
۶. چلی، مسعود (۱۳۷۳). تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ۲(۵ و ۶): ۹-۴۸.
۷. حسام، مهدی و رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی وضعیت حمایت مالی کسب و کارهای گردشگری روستایی از یکدیگر با رویکرد تحلیل شبکه (مطالعه موردی: رستوران‌های روستاهای محور هراز، بخش لاریجان، شهرستان آمل)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۴(۱۰): ۱۲۷-۱۴۲.
۸. حسن‌زاده، محمد؛ علیپور ایرانق، سکینه و زندیان، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و تسهیم دانش در مراکز ملی اطلاعات ایران، مجله تعامل انسان و اطلاعات، ۱۱(۱): ۲۷-۴۳.
۹. خطیبی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۴). کاربرد فرایند برنامه‌ریزی اختیار راهبردی به عنوان رهیافتی در برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری در سامان‌دهی الگوهای رفتاری شهروندان، مطالعه موردی: خیابان سپه قزوین، اولین خیابان طراحی‌شده ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷(۳): ۴۳۹-۴۵۰.
۱۰. دستمالچی، سعید و وزوایی، سعید (۱۳۹۰). اتخاذ استراتژی مناسب در افزایش هم‌افزایی در سازمان‌های هلدینگ، کنفرانس سازمان‌های هلدینگ (کارکردها و چالش‌ها)، مرکز همایش‌های رازی.
۱۱. رابرتز، پیتر و سایک، هیو (۱۳۹۳). بازآفرینی شهری، ترجمه محمدسعید ایزدی و پیروز حناچی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رضائیان، علی (۱۳۸۱). مبانی مدیریت رفتار سازمانی، ج ۳، تهران: سمت.
۱۳. رضانی، ابوالفضل و میرزاحمدی، علی (۱۳۹۲). تحلیل شبکه‌های اجتماعی به همراه آموزش نرم‌افزار Ucinet، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۱۴. سازمان آمار نفوس و مسکن، آمارنامه سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۰).
۱۵. فرجی راد، خدر و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۲). توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۶. قربانی، مهدی؛ آذرنبوند، حسین؛ مهربانی، علی‌اکبر؛ باستانی، سوسن؛ جعفری، محمد و نایبی، هوشنگ (۱۳۹۱). تحلیل شبکه اجتماعی: رویکردی نوین در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی، مجله منابع طبیعی ایران، ۴(۶۵): ۵۵۳-۵۶۸.
۱۷. مشکینی، ابوالفضل؛ دوبران، اسماعیل؛ کاظمیان، غلامرضا و افتخاری، رکن‌الدین (۱۳۹۱). سنجش هم‌افزایی میان‌نهادی (بخش دولتی و عمومی) در مدیریت شهری شهرهای میانی ایران در مواجهه با اسکان غیررسمی (نمونه موردی: شهرهای طنجان و همدان)، مجله جغرافیا و توسعه شهری، ۱: ۱۳۵-۱۵۶.

۱۸. موحد، علی؛ گلی، علی و ایزدی، پگاه (۱۳۹۲). کارکرد رهیافت بازآفرینی پایدار شهری محله‌های حاشیه‌نشین (مطالعه موردی: محله سعدی شیراز)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۵(۱): ۱۰۵-۱۲۲.
۱۹. وردی نژاد، فریدون و یمینی، سارا (۱۳۸۷). مدل ارزیابی متوازن و عملکرد شهرداری تهران، پژوهش مدیریت شهری، ۱: ۲۰-۲۷.
20. Ahmadi, A. and Feyzabadi, H. (2011). Investigating the Promotion of Social Capital on Improving Organization Performance (Case Study: Tehran Municipality Offices), *Government Management Quarterly*, 3(6): 35-88.
21. Aoki, M. (2007). Endogenizing institutions and institutional changes, *Journal of Institutional Economics*, 3(1): 1-31.
22. Bastani, S. (2007). Family Comes First: An Analysis of Men's and Women's Networks in Tehran, *Social Networks*, 29(3): 357-374.
23. Bastani, S. and Raeesi, M. (2011). Network Analysis Method: Using the Total Grid Approach in Open Society Studies, Iranian, *Social Studies Quarterly*, 5(2): 32-69.
24. Beuningen, J. and Schmeets, H. (2013). Social capital in 2009: An index for the Netherlands, *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 73: 73-90.
25. Bodin, O. and Prell, C. (2011). *Social network in natural resources management*, Cambridge University press. Borgatti, S., Everett, M. and Freeman, L. 1999. UCINET 6.0 Version. 1.00. Analytic Technologies, Natick, MA.
26. Bruggeman, J. (2008). *Social networks an introduction*, Routledge press.
27. Carlsson, L. and Berkes, F. (2005). Co-management: concepts and methodological implications, *Journal of Environmental Management*, 75(1): 65-76.
28. Chakrabarty, P. and Dhar, G. (2001). Urban crisis in India: New initiatives for sustainable cities, *Development in Practice*, 11(2-3): 260-272.
29. Chalabi, M. (1994). Network Analysis in Sociology, *Social Sciences Quarterly*, 2(5 & 6): 9-48.
30. Christakis, N. and Fowler, J. (2009). Social network visualization in epidemiology, *Norsk Epidemiology*, 19(1): 5-16.
31. Dastmalchi, S. and Wazawai, S. (2011). Adopt an Appropriate Strategy to Increase Synergy in Holding Organizations, *Conference of Holding Organizations (Functions and Challenges)*, Razi convention center.
32. Davenport, TH. and Prusak, L. (1998). *Working Knowledge: How Organisations Manage what they Know*, Boston: HBS Press, MA.
33. Faraji Rad, K. and Kazemian, G. (2013). Local and Regional Development from the Perspective of the Institutional Approach, Jihad-e-Sharif Publishing Organization, Tehran
34. Franco, B. and Chatterji, I. (2013). Planning for Mining Regions: Building Local Government's Capacity in a Multi-stakeholder Collaboration Scenario. Collaboration scenario. In: *Proceedings of the 49th ISOCARP Congress, Brisbane, Australia, (1-10)*.
35. Ghorbani, M.; Azarnivand, H.; Mehrabi, A.; Bastani, S.; Jafari, M. and Nayibi, H. (2012). Social Network Analysis: A New Approach to Policy Planning and Planning for Participatory Management of Natural Resources, *Journal of Natural Resources*, 65(4): 553-568.
36. Hassanzadeh, M.; Alipour Iragh, S. and Zandiyan, F. (2014). The study of the relationship between social capital and knowledge sharing in Iranian national information centers, *Human Interaction and Information Quarterly*, 1(1): 27-43.
37. Hesam, M. and Rezvani, M. (2014). A survey on the financial support of rural tourism businesses from each other through a network analysis approach (Case study: Haraz villages villages, Larijan section, Amol city), *Rural Research and Planning Quarterly*, 4(10): 127-142.

38. Hirschi, C. (2010). Strengthening Regional Cohesion: Collaborative Networks and Sustainable Development in Swiss Rural Areas, *Ecology and Society*, 15(4): 16-22.
39. Hogan, B. (2007). *Analyzing Social Networks Via the Internet*, London: Sage publication.
40. Izadi, P. (2017). Presenting and explaining the urban regeneration pattern with emphasis on the basis of cultural approach; Case study: Historical and cultural context of Shiraz city, PHD Thesis, SuperVisor, Sistan & Baluchestan University.
41. Izadi, P.; Hadiyani, Z.; Hajinejad, A. and Ghaderi, J. (2017). Urban regeneration with an emphasis on identifying and analyzing creative cultural clusters, *Economics and Urban Management Quarterly*, 5(2): 21-40.
42. Kendrick, A. (2003). Caribou co-management in northern Canada: fostering multiple ways of knowing. In: Berkes, F., Colding, J., Folke, C. (Eds.), *Navigating Social ecological Systems*, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 241-267.
43. Khatibi, S.M. (2015). Application of strategic planning process as an approach to urban regeneration planning in organizing behavioral patterns of citizens, (Case study: Sepah Qazvin Street, Iran's First Designed Street), *Human Geography Research Quarterly*, 47(3): 439-450.
44. McQuaid, R.W. (2010). Theory of Organisational Partnerships – partnership advantages, disadvantages and success factors, in: S.P. Osborne (ed.) *The New Public Governance: Critical Perspectives and Future Directions*, (Routledge, London), pp. 125-146.
45. Meshkini, A.; Dawiran, I.; Kazemian, G. and Roknaddin, E. (2012). Measurement of inter-institutional synergies (public and public sectors) in urban management of the central cities of Iran in the face of informal settlements (case study: cities Tangean and Hamedan), *Journal of Geography and Urban Development*, 1: 135-156.
46. Misztal, B. (1996) *Trust in Modern Societies: The Search for the Bases of Social Order*,
47. (Cambridge: Polity Press), pp. 1-360
48. Mitchell, R.E. (1971). Some Social Implications of High Density Housing, *American Sociological Review*, 36(1): 18-19.
49. Movahhed, A.; Goli, A. and Izadi, P. (2013). The Function of Urban Sustainable Recovery in Rural Areas (Case Study: Saa'di District of Shiraz), *Human Geography Research*, 45(1): 105-122.
50. Myeong, S. and Hyungjun, S. (2016). Which Type of Social Capital Matters for Building Trust in Government? Looking for a New Type of Social Capital in the Governance Era, *Sustainability journal*, 8: 1-15.
51. Piran, P.; Rafieyan, M.; Rezaee, M. and Dehghan, H. (2016). Identifying the Factors Affecting the Establishment of Social Institutions in Better Managing Localities; Case Study: Localities in Ferdowsi City - Shahriar City, *Urban Planning and Research Quarterly*, 7(25): 1-22.
52. Population and Housing Statistics Organization, Population and Housing Census (2011).
53. Ramezani, A. and Mirza Mohammadi, A. (2013). *Social Network Analysis*, Ucinet Software Education, Tehran: Sociologists Publishing.
54. Rezaian, A. (2002). *Principles of Organizational Behavior Management*, Tehran: Publication, S, Third Edition, Tehran.
55. Roberts, P. and Syk, H. (2014). *Urban Regeneratin* (Translated by Mohammad Saeed Izadi and Pirouz Hanachi), Tehran University Press.
56. Roberts, P. and Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration*, London: SAGE Publication.
57. Savioli, M. and Patuelli, R. (2016). Social Capital, Institutions and Policy making, *Economics journal*, 26: 1-29.

58. Tsenkova, S. (2002). *Urban Regeneration, Learning from the British Experience*, Faculty of Environmental Design, University of Calgary.
59. Uphoff (1999). Understanding Social Capital: Learning from The Analysis and Experiences of Participation; in *Dasgupta and Serageldin, Social Capital: A Multifaceted Perspective*, World Bank, USA.
60. Wellman, Barry (1979). The Community Question: The Intimate Networks of East Yorkers . *American Journal of Sociology*. Vol. 84, No(5): 1201-31.
61. Yann, C.S. (2009). The use of corporate synergy systems in promoting industrial waste minimization in small and medium enterprises in Taiwan, Taiwan Environmental management, Association, *Taipei International Green Productivity Association*, Taipei, 105-115.